



## **«تحدی»، «تیسیر ذکر» و «تشویق به تدبیر»؛ ناقض انحصارگرایی در تفسیر مآثور**

تحدی از سوی خداوند متعال و بیان برخی آیات مبنی بر اینکه قرآن برای تذکر، تیسیر و آسان شده است و نیز دعوت به تفکر و تدبیر در آیات متعدد قرآن کریم، انحصارگرایی در تعریف تفسیر مآثور را نقض می‌کند.

حجت‌الاسلام مقیسه عنوان کرد:

«#171؛تحدی»، «#171؛تیسیر ذکر» و «#171؛تشویق به تدبیر»؛ ناقض انحصارگرایی در تفسیر مآثور  
تحدی از سوی خداوند متعال و بیان برخی آیات مبنی بر اینکه قرآن برای تذکر، تیسیر و آسان شده است و نیز دعوت به تفکر و تدبیر در آیات متعدد قرآن کریم، انحصارگرایی در تعریف تفسیر مآثور را نقض می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین رجب‌علی مقیسه، محقق و مدرس حوزه، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به این مطلب که قرآن مجید به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم(ص)، معتمدترین کتابی است که در جهت دستیابی به معارف ناب توحیدی در اختیار بشر است، گفت: همواره نیل به معارف قرآن و شیوه‌های دستیابی به این معارف مورد بحث، کنکاش و پژوهش دانشمندان و به ویژه متخصصین فن تفسیر بوده است.

مقیسه با بیان این که تاکنون شیوه‌های مختلفی برای فهم قرآن تجربه شده است، عنوان کرد: یکی از شیوه‌های تفسیری که طرفداران زیادی داشته و هم اکنون نیز از معتقدانی برخوردار است، شیوه تفسیر به مآثور است که شاخصه و نشانه اصلی آن، قول به انحصار فهم آیات و معارف قرآنی به کسانی است که فهم آنان حجت است.

وی در خصوص قائلان شیعی تفسیر به مآثور بیان کرد: تفسیر به مآثور در رویکرد شیعی، فهم معارف قرآنی را منحصر به معصومین(ع) می‌داند؛ بنابراین معتقدان شیعی تفسیر به مآثور بر این باورند که در هر آیه‌ای از آیات چه در آیات معرفتی و مربوط به اعتقادات و چه در زمینه آیات الاحکام که دستورالعمل‌های عبادی و احکام مرتبط با اعمال را بیان کرده است، در همه این موارد باید به سخن معصوم(ع) توجه داشته باشیم و اگر معصوم(ع) مطلبی فرموده بود باید آن مطلب را تلقی کنیم و اگر مطلبی از سوی ایشان اظهار نشده بود، افراد دیگر حق تفسیر آیه مورد نظر را نخواهند داشت.

مقیسه با اشاره به این نکته که این روش هم در نزد شیعیان و هم در نزد اهل سنت مورد پذیرش بوده و هست، افزود: براساس تعریف و شرایط تفسیر مآثور از نظر اهل تسنن، تفسیر نه منحصر به معصومین(ع) بلکه شامل سخنان صحابه نیز می‌شود. بنابراین مقصود از مآثور در بین اهل سنت، کلام پیامبر اکرم(ص) و کلام صحابه است، در حالی که در بین مفسران شیعی، کلام قابل اعتماد در تفسیر قرآن، کلام پیامبر اکرم(ص) و جانشینان معصوم آن حضرت است.

این محقق و مدرس حوزه علمیه قم با بیان این که معتقدان به تفسیر مآثور دلایل و مستندات زیادی را برای موضع و گرایش خود ارائه می‌کنند، اظهار کرد: این دلایل عموماً در پی اثبات این نکته هستند که غیر معصوم، مخاطب قرآن نیست و از این امر نتیجه می‌گیرند که قرآن برای دیگران قابل فهم نیست و بنابراین حق تفسیر آن را نیز ندارند.

مقیسه در ادامه عنوان کرد: ما در پاسخ به این گرایش و معتقدان به آن، در ابتدا باید به این مطلب، اعتراف کنیم که فهم تمام معانی قرآن در مرحله اول در اختیار شخص خاتم حضرت محمد بن عبدالله(ص) و در مرحله بعد در اختیار جانشینان معصوم(ع) آن حضرت است و ما در این امر هیچ شک و شبهه‌ای نداریم که دلایل قرآنی و سنت قطعی این مطلب را اثبات می‌کند که فهم کامل قرآن در اختیار ایشان است و معلمان واقعی، راستین، جامع و کامل معارف قرآن، معصومین‌اند که از هر نظر حجت و سخنانشان مفید به حق و واقع و قابل اعتماد است؛ بنابراین در این بخش بحثی نیست که کامل‌ترین فهم‌ها و جامع‌ترین فهم‌ها از آن حضرات معصومین(ع) است.

وی با تأکید بر این مطلب که فهم قرآن منحصر به آن حضرات نیست، گفت: هم در خود قرآن و هم در شیوه آن بزرگان اشارات و تصریحاتی هست که حاکی از این است که همه انسان‌ها از عهده فهم بخشی از آیات قرآن برمی‌آیند و انسان‌هایی که دارای افکار بلند و ویژه‌ای هستند، می‌توانند از قرآن بهره‌مند شوند.

مقیسه با بیان این که در خود قرآن آیات زیادی دال بر عدم انحصار فهم قرآن است، با اشاره به سه دسته از آیات قرآن، بیان کرد: تحدی از سوی خداوند متعال و این که در آیات بیان شده است که قرآن برای تذکر، تیسیر و آسان شده است و این که از سوی دیگر در آیات عیدیه‌ای دعوت به تفکر و تدبیر در آیات قرآن، صورت گرفته، انحصارگرایی در تعریف تفسیر مآثور را نقض می‌کند و دال بر این

مطلب است که بخشی از معانی، مفاهیم و معارف آیات قرآن برای بشر قابل نیل و فهم است.

وی در خصوص دلالت آیات تحدی بر عدم انحصار فهم قرآن، اظهار کرد: آیات زیادی در قرآن دعوت به هم‌آوردی و تحدی می‌کنند و این آیات بر این فرض استوارند که بشر و حتی کفار و معاندان می‌توانند آیات قرآن را بفهمند و براساس همین فهم اعتراف کنند که این آیات قرآن مصنوع فکر بشر نیست، در صورتی که اگر چنین فهمی میسر نبود، کافران و معاندان به چنین چیزی دعوت نمی‌شدند تا از این طریق به اعجاز قرآن پی ببرند.

مقیسه افزود: آیات تحدی در شکل‌های مختلف آن بر این نکته دلالت دارد که اگر قرآن از نزد غیر خداوند متعال آمده باشد، حاوی تضاد و تهافت است. بنابراین تحدی به عدم خلاف و به عدم اختلاف می‌رساند که افراد می‌توانند بخشی از آیات قرآن را مورد تحقیق قرار دهند و فرجام تحقیقشان اعتراف به این باشد که چون اختلاف، تهافت، تناقض و تضادی میان آیات قرآن و در محتوای آن‌ها نیست، پس قرآن کتابی بشری نیست.

وی در خصوص تیسیر لذكر و دعوت به تدبر نیز گفت: براساس آیه &#171;یسرنا القرآن للذكر»، قرآن خود می‌گوید که برای متذکر کردن انسان‌ها آسان شده است؛ بدین معنا که برای درك و تأثیر یافتن قابل فهم شده است. همچنین آیاتی که از بشر می‌خواهند که به تفکر و تعقل در آیات قرآن و سخنان الهی بپردازد، حاکی از این امر است که آیات قرآن باید قابل نیل و قابل فهم باشند.

مقیسه در نتیجه سخنان خود گفت: بنا بر این سه دسته از آیات، که هر يك آیات متعددی را تحت پوشش قرار می‌دهند، این نتیجه حاصل می‌شود که فهم بسیاری از آیات و درك محتوای بخشی از آیات قرآن در اختیار کثیری از افراد هست.